

# کمک های خارجی و نخبگان سیاسی

علی قادری



کمک های جامعه جهانی به کشورهای جهان سوم و چگونگی استفاده از آن از مهمترین مسئله در کشور های جهان سوم می باشد. افغانستان جزئی کشور های جهان سوم محسوب می گردد و در بیش از یک دهه میلیارد ها دالر کمک جامعه جهانی به منظور بازسازی زیر بناهای اقتصادی و ساختار های کلان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در یافت نموده است. مشاهدات عینی و تحقیقات و پژوهش ها نشان می دهد که بخش اعظم کمک ها به هدر رفته است. سوال اساسی و مقتدر و یا است که مسئول هدر رفتن کمک های جامعه جهانی کیست؟ اما قبل از پاسخ به این سوال نیازمند آن می باشیم تا یک نکته را در مورد کشور های جهان سوم بیان نمایم. در کشور های جهان سوم مهمترین عاملی که نخبگان را به هدر رفتن کمک های جهان سوم متقاعد می کند، عبارت دیگر دولت مقتدر است. دولت معمولاً سیاست ها و برنامه های به منظور حل مشکلات عمومی تدوین و اجرا می کند. اما در کشورهای جهان سوم این مهم وجود ندارد بنابراین مشکلات و مسائل عمومی لاینحل می ماند. با این وجود، سخن گفتن از نقش ساختار سیاسی در استفاده از کمک های خارجی تا حدودی موضوعیت خود را از دست می دهد. ساختار های سیاسی که وجود دارد محصول تلاش های نخبگان سیاسی است. بنابراین نخبگان سیاسی ربط به هر صورت هندسه های که از وجود و حضور و گسترش گروه ها و دسته های مشکوک به همکاری با طالبان و القاعده و داعش خبر می دهد با توجه به وضعیت امنیتی افغانستان سخت نگران کننده است.

طالبان در چند سال گذشته سعی کرده اند حضور خود را از جنوب و شرق به سوی غرب و شمال کشور گسترش دهند. حضور طالبان به طور محسوسه برنامه ریز شده به سوی شمال کشور در حال حرکت بوده است. این حرکت های خزنده بیش از هر زمانی برای دوره بعد از خروج نیروهای خارجی از افغانستان برنامه ریزی شده است. اکنون که نیروهای خارجی در حال خروج کامل از افغانستان هستند، نیروهای ضد مردهمی داخلی و خارجی سعی دارند تا جایگاه خود را در کشور تثبیت نمایند. کسانی که تحت نام و عناوین مختلف در شماری از ولایات کشور حضور یافته اند، می بایست بر اساس قوانین کشور با آنها برخورد صورت گیرد. امنیت ملی کشور مهمتر از هر چیزی باید باشد.

## سرمقاله

### هدارهای امنیتی را باید جدی گرفت

محمد رضا هویدا

حضور افراد و گروه های مشکوک در شماری از ولایات کشور، نگرانی مردم و مسئولان را برانگیخته است. زمانی که طالبان در افغانستان آغاز به فعالیت نمودند، به زودی رشد کردند و توانستند بخش هایی از کشور را به سرعت تصرف نمایند. طالبان بدان جهت توانستند پیشروی نمایند، که زمینه های حضور شان در شماری از ولایات کشور وجود داشت. زمینه های حضور طالبان به صورت قومی، منطقه ای و سنتی وجود داشته است. مهمتر از همه اینها خلا قدرت بود که طالبان توانسته اند، از آن به نفع خود استفاده نمایند.

عوامل واگرایی و تشنج در هر کشوری معمولاً وجود دارد. مرزها، چینش جمعیتی، ترکیب قومی، منابع طبیعی و... نیز عواملی هستند که زمینه های اختلافات و گریز از مرکز و حتا جنگ های مسلحانه و اختلافات عمیق را به وجود می آورد. در افغانستان این عوامل به وفور وجود دارد. از تنوع اقوام و قبایل گرفته تا عوامل محیطی و جغرافیایی ت اسنت ها و برداشت هایی دینی و مذهبی زمینه های نفوذ گروه های تندرو تحت عناوین مختلف فراهم شده است. اما این عوامل زمانی می توانند به ظهور برسند که دولتی ضعیف با آنها همراه شود. دولت های ضعیف نمی توانند مانع حرکت های ضد دولتی و مرکز گریز شوند، در عوض حتا این حرکت ها را تقویت می کنند.

به هر صورت، یکی از مسئله هایی که در افغانستان امروزین مهم است، نحوه برخورد حکومت با مخالفانی است که دست به اسلحه برده و با مردم و دولت می جنگند. ضعف حضور نیروهای نظامی ملی در نقاط مختلف کشور و همین گونه ضعف حضور ادارات دولتی در ولایات و عدم جدیت و قاطعیت حکومت نیز عمده ترین دلایل برای سوء استفاده طالبان به نفع خودشان است.

در ولایاتی که به دلایل جغرافیایی و یا انسان دولت نتوانسته حضور قوی داشته باشد، طالبان به راحتی نفوذ کرده اند. طالبان حتا در همین ولایات از مردم سپر انسانی ساخته اند. اما بر عکس در ولایاتی که دولت و نیروهای دولتی با قوت و قدرت ظاهر شده اند این معضل رشد کمتری داشته است.

به هر صورت هندسه هایی که از وجود و حضور و گسترش گروه ها و دسته های مشکوک به همکاری با طالبان و القاعده و داعش خبر می دهد با توجه به وضعیت امنیتی افغانستان سخت نگران کننده است.

طالبان در چند سال گذشته سعی کرده اند حضور خود را از جنوب و شرق به سوی غرب و شمال کشور گسترش دهند. حضور طالبان به طور محسوسه برنامه ریز شده به سوی شمال کشور در حال حرکت بوده است. این حرکت های خزنده بیش از هر زمانی برای دوره بعد از خروج نیروهای خارجی از افغانستان برنامه ریزی شده است. اکنون که نیروهای خارجی در حال خروج کامل از افغانستان هستند، نیروهای ضد مردهمی داخلی و خارجی سعی دارند تا جایگاه خود را در کشور تثبیت نمایند. کسانی که تحت نام و عناوین مختلف در شماری از ولایات کشور حضور یافته اند، می بایست بر اساس قوانین کشور با آنها برخورد صورت گیرد. امنیت ملی کشور مهمتر از هر چیزی باید باشد.

این مجموعه قابل توجهی از افراد که حتا هویت شان محرز نیست در شماری از ولایات حضور جدی و نگران کننده دارند، از این امر حکایت می کند که با مسئله امنیت برخورد جدی صورت گرفته است.

از سوی دیگر مسئله مرزها در افغانستان در چنین وضعیتی به خوبی نشان داده می شود. مرزهایی که باید به شدت مورد حفاظت بوده باشند، تحت عوامل مختلفی قرار دارند. اینهایی که در افغانستان وارد شده اند و دولت با نگرانی با آنها می بیند می بایست در مرزهای کشور متوقف می شدند و مبتنی با مصالح و منافع کشور با آنها برخورد صورت می گرفت. هنوز هم تا بهار که معمولاً جنگها در کشور شدت می گیرد فرصت خوب باقی است و می تواند به هدف تامین امنیت و مبارزه با ناامنی مورد استفاده قرار گیرد.

بررسی و نگاهی اجمالی به تاریخ سیاسی، اجتماعی افغانستان می باشد. دست نخبگان اقوام مختلف افتاد. این نخبگان سال ها به منظور تصاحب قدرت و به انحصار در آوردن آن با همدیگر جنگیدند. از آنجایی که نخبگان اقوام مختلف وجه کارزماتیک داشت بنابراین میان مردم و قوم خود نفوذ زیاد داشت. جنگ نخبگان تبدیل به جنگ اقوام شد. نخبگان قومی و آبادانی کشور نشد بلکه باعث ورانی و بی ثباتی بیشتر شد. در دهه ۱۹۹۰ گروه طالبان ظهور کرد و به زودی اکثر ولایات افغانستان را تصاحب کرد. غلبه طالبان بر گروه های جهادی اگر چه در مناطقی باعث خلع امپدواری شد اما به زودی آن امید از بین رفت. زیرا طالبان بد تر از نخبگان قومی باعث ایجاد فضای اختناق شدند.

در سال ۲۰۰۱ میلادی حادثه ۱۱ سپتامبر اتفاق افتاد و باعث حضور جامعه جهانی در افغانستان شد. نخبگان سیاسی نیز در بین آلمان کنفرانس پن اول را با کمک جامعه جهانی و به منظور ایجاد یک حکومت که در آن همه گروه های قومی حضور داشته باشند، تشکیل دادند. کنفرانس پن یکی از بهترین نقطه تحلیل این نوشتار می باشد. در این کنفرانس نخبگان سیاسی از گروه های مختلف قومی حضور یافتند. رهبران جهادی و تکنوکرات های تحصیل کرده غرب به عنوان نمایندگان گروه های قومی حضور یافتند. کنفرانس پن آلمان نشان می دهد که همین نخبگان سیاسی می توانند در صورت درست استفاده

که صورت گرفت از مجرای همین نخبگان سیاسی بودند. اما نخبگان سیاسی شرکت کننده در کنفرانس پن آلمان را باید به دو دسته تقسیم کرد. نخبگان جهادی و نخبگان تکنوکرات و تحصیل کرده غربی.

رهبران جهادی کسانی بودند که قیل از حکومت امارت اسلامی سال ها به منظور تصاحب قدرت با همدیگر جنگیدند. اما هیچ یک از آن رهبران در آن دوره طرحی به منظور بیرون رفتن از وضعیت جنگی و چگونگی تقسیم قدرت ارائه ننمودند. اگر چه از سوی برخی رهبران جهادی طرحی ارائه شدند اما افراد و گروه های دیگر به خاطر انحصار طلبی قدرت آن را نپذیرفتند. در سال های اخیر تصدای از این رهبران اعتراف نموده است که بعد از سقوط شوروی هیچ یک از گروه ها و رهبران طرحی برای بعد از جنگ به منظور چگونگی حکومت کردن نداشتند. اما همین رهبران فاقد برنامه و طرح در کنفرانس پن

کرده های غربی بی توجهی به ساخت های اجتماعی و فرهنگی افغانستان بود. آن ها بدون آن که به ساخت اجتماعی و بافت سنتی جامعه افغانستان توجه نمایند در صده آن برآمدند تا پدیده های غربی و مدرن را در جامعه افغانستان وارد ساخته و با استفاده از آن بر مردم حکومت نمایند. بنابراین می توان گفت نخبگان سیاسی جهادی و تکنوکرات ها در کنفرانس پن تا اکنون طرف در ریاست کمک ها و مصرف آن ها بوده است. عامل شکست و یا هدر رفتن کمک ها که نیز همین نخبگان سیاسی است. زیرا آن ها تنها گروهی بودند که در طول بیش از یک دهه نقش در عرصه سیاسی افغانستان نقش بازی کردند. اکنون که سیزده سال از کمک های جامعه جهانی گذشته است دوهین رئیس جمهور منتخب روی کار آمده است ناگزیر که نگاه به گذشته داشته باشیم. در حکومت جدید اگر چه جهادی ها و تکنوکرات ها روی قدرت است

## هر روز و روزمرگی

### برگردان سولماز حسینپور



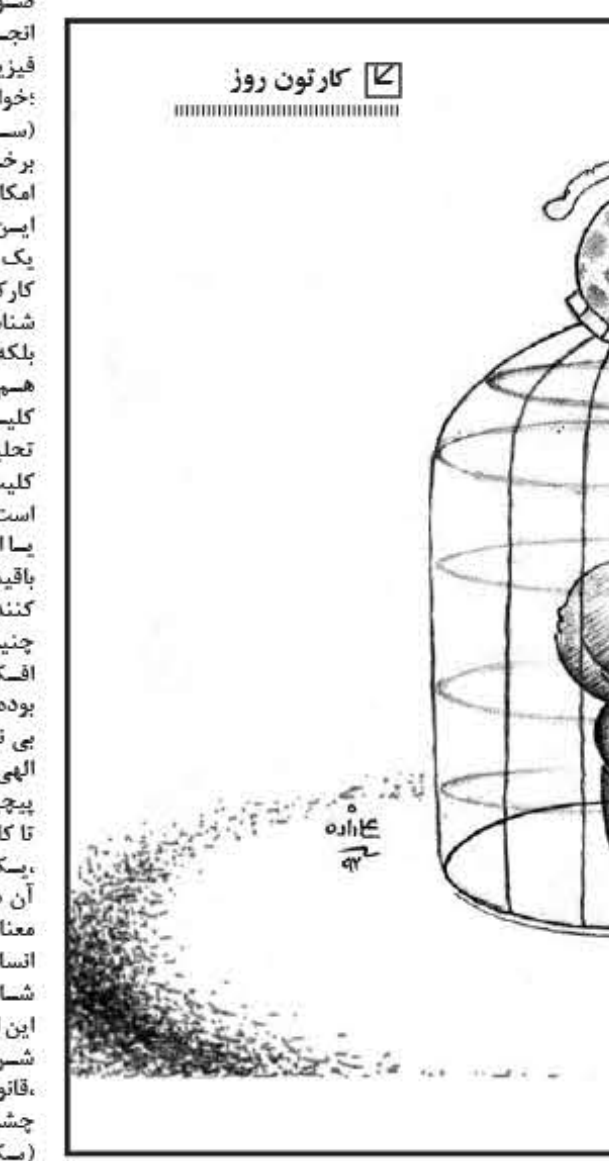
خود کند. حسب اتفاق این ترکیب می کند. این موضوع مانع از بیان خود کند. حسب اتفاق این ترکیب

بیش از آن یا باز تولید نشانه های معنی بودن نمی شود. نشانه هایی حاکی از رضایت، شادی، کیفیت و ثروت از یک مبل راحتی مدرن تا آسیاب قهوه تا خودرو، سه گانه شکل، کارکرد و ساختار به یکباره و همزمان آشکار و خوانا می شوند. در درون این پارامترها نظام ها و زیرمجموعه های متعددی ساخته می شوند که هر یک به روش خود ساختارهایی کم و بیش هماهنگ از اشیاء تقریباً ماندنی را پایه گذاری می کنند. برای مثال در حوزه معماری، انواعی از سبک های محلی، ملی معماری جای خود را به «معماری شهرسازانه» داده اند که در آن یک نظام یکپارچه شده از ساختارها و کارکردها از یک سری شکل های منطقی هندسی (مشابه) استفاده می کنند. همین تعریف درباره سواد غذایی که به صورت صنعتی تولید می شوند نیز صادق است. مجموعه ای از محصولات که به صورت گروهی تولید شده و بر محور کارکردهای متنوع وسایل منزل خاصی چون یخچال، فریزر، اجاق برقی و مانند آن تولید می شوند و البته به نظر می رسد نظام یکپارچه سازی که بر محوریت ساختارهای خودمحرورشکل گرفته، آماده است تا تمام جامعه را فدای غلبه

از پوشاک، یک وسیله آشپزخانه و یک خانه) به نوعی «سبک» مرتبط بود و بنابراین به عنوان یک کار (اثر) هم شامل وهم پوشاننده(مغفی کننده) کارکردها و ساختارهای بزرگتری بود که بخش جدایی ناپذیری از شکل آن بودند. تمامی چنین سیستم هایی دارای یک قانون کلی کارکردی (کارکردی) هستند بنابراین هر روز می تواند به عنوان یک سری از کارکرد هایی که سیستم ها (نظام ها) را که به نظر متمایز می آمدند، به هم مرتبط و متصل کنند. با این تعریف هر روز یک «محصول» است، متداول ترین محصول در دورانی که تولید، مصرف را ایجاد می کندو جایی که مصرف به وسیله تولیدکنندگان اداره می شودبه به وسیله «کارگران» بلکه به وسیله مدیران و مالکان ابزار تولید (فکری، ابزاری، علمی)، بنابراین «هر روز» جهانی ترین و یگانه ترین، اجتماعی ترین و فردی شده ترین، آشکار ترین و پنهان شده ترین است. وضعیتی است که برای خوانایی شکل ها در آن توافق شده، به وسیله کارکردها توشیح شده، در ساختارها حک شده است. هر روز سکویی است که جامعه بوروکراتیک مصرف گرا بر آن بنا شده است.

چه رخ افتاد که این وضعیت را تغییر داد؟ ابتدا خود عنصر کارکردی، رها شده و منطق زده شد و پس از آن به صورت صنعتی تولید شد و در نهایت تحت فشار و محدودیت قرار گرفت به این معنا که به وسیله تبلیغات و آگهی و نیز لابی های قوی اقتصادی و سیاسی مورد کنترل قرار گرفت. رابطه از شکل به کارکرد به ساختار محو نشد، برعکس یک رابطه از پیش اعلام شده است که این چنین هم تولید شده و بیشتر در معرض دید قرار می گیرد و هر روز بیشتر به واسطه این سه اصطلاح شکل، کارکرد و ساختار شفاف تر می شود. یک عنصر مدرن به صراحت آنچه را که هست معلوم می کند و نقش و مکانش را اعلام

فصل اول، اقلیم، شغل، سن و جمعیت متفاوت بود. این تنوع هرگز آنگونه که بود، شناخته نشده و ارائه نشد، بلکه در برابر نوعی تعبیر منطقی که تنها در زمانه ما ظهور کرده و به دنبال مداخله در آن و نابود کردن آن است مقاومت کرده است. امروزه ما شاهد یک تمایل جهانی برای یکسان سازی هستیم. منطق گرایایی غالب است و هرچند به همراه آن نوعی بی خردی ظهور کرده است، موجب تنوع



بدون شرح

کارتون روز

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرفاله پیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتو روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرفاله پیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسؤول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی  
کارگزاران: خالق علی زاده

دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی  
مسئول وب سایت: محمد علی پورامی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۲۲

روزنامه  
افغانستان  
The Daily Afghanistan

Outlook  
AFGHANISTAN  
The Leading English Magazine